**تبیین**

**«شرایط بدر و خیبری انقلاب اسلامی»**

**بر اساس واقعیت­های هفده­گانه**

**تحلیلگر: مقام معظم رهبری** دام ظله

**قرارگاه حماسه سیاسی ـ حماسه اقتصادی**

**بسیج مدرسه علمیه معصومیه سلام الله علیها**

**اردیبهشت سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی(1392)**



**آیا؟**

آیا انقلاب اسلامی در بحران و بن بست به سر می­برد؟ آیا ما در شرایط شعب ابیطالب به سر می­بریم؟ آیا تحلیل برخی کاندیداها مبنی بر بحرانی دیدن شرایط کشور با واقعیت­ها سازگاری دارد؟ اساساً واقعیت­های پیش روی انقلاب اسلامی در داخل و خارج کشور چیست؟ رهبر معظم انقلاب اسلامی معتقدند ما در شرایط بدر و خیبر به سر می­بریم. دلایل این ادعای ایشان چیست؟ پس این همه گرانی و مشکلات اقتصادی چیست؟

بهتر است تحلیل ایشان و پاسخ این سؤالات را از خود ایشان جویا شویم.

**شرایط بدر و خیبر**

«يك روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسيد كه با شِعب ابى‌طالب و [محاصره‌ى اقتصادى](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1226#17120) مسلمان­ها، آن­ها را از پا بيندازند؛ اما نتوانستند. اين روسياه‌هاى بدمحاسبه‌گر خيال مي­كنند ما امروز در شرائط شِعب ابى‌طالبيم. اين جور نيست. ما امروز در شرائط شِعب ابى‌طالب نيستيم؛ ما در شرائط بدر و خيبريم. ما در شرائطى هستيم كه ملت ما نشانه‌هاى پيروزى را به چشم ديده است؛ به آن­ها نزديك شده است؛ به بسيارى از مراحل پيروزى، با سرافرازى دست پيدا كرده است. امروز مردم ما را از محاصره‌ى اقتصادى مي­ترسانند؟ با اين حرف­ها، با اين ترفندها مي­خواهند مردم را از صحنه بيرون كنند؟ مگر چنين چيزى ممكن است؟ امروز مي­خواهند در اراده‌ى مسئولين اختلال ايجاد كنند؟ «[قُل هذِهِ سَبيلى اَدعُوا اِلى الله عَلَى بَصِيرَةٍ اَنَا و مَنِ اتَّبَعَنِى](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=18496&npt=7&nt=2&year=1390#17114)» اين راهى است كه با بصيرت انتخاب شده است، اين راهى است كه با مجاهدت باز شده است، اين راهى است كه با خون عزيزترين­ها هموار شده است. ما از اين راه رفتيم، به قله‌هائى هم دست پيدا كرديم. ما متوقف نمي­شويم، ان‌شاءالله پيش مي­رويم. ...» مقام معظم رهبری دام عزه، بیانات در جمع مردم قم، 19/10/1390

«به هيچ وجه ما در بن‌‌‌بست نيستيم؛ به هيچ وجه با مشكلاتى كه ما را از تصميم به ادامه‌‌‌ى راه باز بدارد، مواجه نيستيم؛ چنين مشكلاتى وجود ندارد. بله، مشكلات هست؛ اما همه‌‌‌ى اين مشكلات، كوچكتر از تصميم و اراده و هدفها و آرمانهاى اين ملت و اين كشور است. در بستر نرم و راحتى نمي­خواهيم بخوابيم و تكيه بزنيم و استراحت كنيم؛ نه، وسط ميدانيم؛ اما اين ميدان، يك ميدان دشوار و در عين حال شوق‌‌‌آفرين است.» مقام معظم رهبری دام ظله، دیدار شرکت­های دانش بنیان رمضان 91

**چندتا مثال**

«بله، ما ان‌شاءاللَّه بر دشمن فائق خواهيم آمد، تحريمها را دور خواهيم زد و جوانهاى ما روزهاى خوبى را ان‌شاءاللَّه در آينده تجربه خواهند كرد و اين كشور، كشور بسيار با استعدادى است. امروز مثل روزى است كه فرض كنيد يك عقاب تيزپروازى كه ميتواند در ارتفاعات بسيار بلندى پرواز كند، از داخل صحن اين فضا توانسته به پشت بام بپرد. اين يك تجربه است. اين سقف پرواز، خيلى بيش از اينها خواهد بود. ان‌شاءاللَّه روزى خواهد رسيد كه هم مرجع علمى خواهد شد كشور شما، هم مورد افتخار مسلمانان خواهد شد كه بگويند اسلام يك كشور را اين جور اداره كرد و هم ان‌شاءاللَّه از لحاظ عملى و از لحاظ توليدات، مرجع مراجعات مردم دنيا خواهيد شد.» مقام معظم رهبری دام ظله، بيانات در ديدار جمعي از كارآفرينان سراسركشور، 16/6/13

«مثل ميدان ورزش و مسابقات ورزشى. در ميدانهاى مسابقات ورزشى خستگى هست، دلهره هم هست، اما شوق‌‌‌آفرين است. هيچ ورزشكارى از حضور در ميدان مسابقه‌‌‌ى ورزشى امتناع نميكند؛ بلكه با شوق ميرود آنجا. اين كار زحمت هم دارد - فشار جسمى، فشار عصبى - در عين حال ورزشكاران ميروند. وضعيت ما اينجورى است.

عرصه، عرصه‌‌‌ى حركت عمومى و ماندگارِ تاريخى ملت است. از لحاظ تاريخى، حركت امروز ما يك حركت ماندگار است. يعنى سرنوشت ايران را امروز ملت ما شايد براى قرنها دارند رقم ميزنند و معين ميكنند. هميشه چنين موقعيتى پيش نمى‌‌‌آيد؛ در همه‌‌‌ى مقاطع تاريخى، اين وضعيت پيش نمى‌‌‌آيد؛ در زمان ما خوشبختانه پيش آمده. اين انقلاب، كشور را و ملت را در معرض يك حركت مؤثرِ ماندگارِ طولانى و تاريخى قرار داده.» مقام معظم رهبری دام ظله، دیدار شرکت­های دانش بنیان رمضان 91

**تركيب** [**آرمان‌خواهى**](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=983) **با واقع‌بينى**

چيزى كه در اين حركتِ سى‌وسه ساله انسان مشاهده ميكند، درسى كه انقلاب داد و امام بزرگوار باقى گذاشت، اين است كه در اين حركت سى و سه ساله، آرمانها و آرزوهاى عظيمى كه اسلام آنها را به ما القاء ميكند و تعليم ميدهد، از نظر دور نماند؛ در عين حال واقعيتهاى موجود جامعه و جهان هم مورد توجه قرار گرفت؛ اين كمك كرد به اين كه اين حركت بتواند ادامه پيدا كند؛ يعنى تركيب [آرمان‌خواهى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=983) و آرمان‌گرائى با واقع‌بينى.

**تلاش برای جلوه دادن رؤیا گرایی به جای آرمان­گرایی**

يك حرفى را سر زبان­ها انداختند، درباره‌اش نوشتند و گفتند؛ الان هم انسان در گوشه و كنار مي­شنود كه ملاحظه‌ى واقعيته­اى جامعه و جهان، با آرمان‌گرائى نميسازد. آرمان‌گرائى را اشتباه كردند با رؤياگرائى. آنچه كه ما مي­خواهيم دنبال كنيم و اصرار بر آن داريم، اين است كه واقع‌بينى، مشاهده‌ى واقعيات جامعه و جهان، با آرمان‌گرائى و تعقيب آرمانها و آرزوهاى بزرگ ملت ايران هيچگونه تنافى و تعارضى ندارد.

**ترکیب مجاهدت و تدبیر**

اگر ما توانستيم آرمان‌گرائى را با واقع‌بينى و واقع‌گرائى همراه كنيم، ترجمه‌ى عملياتى‌اش مي­شود اينكه ما تدبير را با مجاهدت تركيب كنيم؛ هم مجاهدت كنيم و مجاهدانه حركت كنيم، هم اين حركت مجاهدانه در يك چهارچوب تدبيرشده‌اى قرار بگيرد؛ كه اين، آگاهى عمومى، آگاهى دست‌اندركاران، همراهى دلها و زبانها در همه‌ى عرصه‌ها را مي­طلبد.

**رد شدید ادعای ناسازگاری آرمان­ها و واقعیت­ها**

بعضى وانمود ميكنند كه آرمان‌گرائى با واقع‌بينى نمي­سازد؛ اين را ما به شدت رد ميكنيم. بسيارى از آرمانهاى جامعه‌ى ما و مطالبه‌ى آنها جزو واقعيتهاى جامعه است. مردم مايلند [عزت ملى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1349) داشته باشند، مردم مايلند زندگى ايمانمدار و دينمدار داشته باشند، مردم مايلند در امور اداره‌ى كشور و مديريت كشور سهيم باشند - يعنى [مردم‌سالارى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1046) - مردم مايلند پيشرفت داشته باشند، استقلال سياسى و [اقتصادى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1709) داشته باشند؛ اينها خواسته‌هاى عمومى مردم است. اين خواسته‌ها، واقعيتهاى جامعه است؛ اين واقعيتها دقيقاً در جهت آرمان‌خواهى است؛ اينها كه مسائل تحليلى و ذهنى نيست، اينها كه موهومات نيست، اين­ها كه ذهنيات نيست؛ اينها واقعياتى است كه در جامعه وجود دارد. يك جامعه‌ى زنده و مؤمن دنبال اين چيزهاست؛ ميخواهد عزت ملى داشته باشد، ميخواهد استقلال داشته باشد، ميخواهد پيشرفت داشته باشد، ميخواهد آبروى بين‌المللى داشته باشد؛ اينها خواسته‌هائى است كه مردم دارند؛ اينها در جهت آرمانهاست؛ و اين خواستن، جزو واقعيتهاى قطعى جامعه است. بنابراين واقعيات ميتواند در خدمت و معطوف به آرمانها باشد. بله، ذكر آرمانها بدون توجه به واقعيتها و بدون ملاحظه‌ى سازوكارهاى معقول و منطقىِ رسيدن به آرمانها، خيال‌پردازى است؛ آرمانها در حد شعار باقى خواهد ماند؛ ليكن وقتى كه مسئولان كشور آرمانها را به صورت منطقى و متين دنبال كردند، مردم همراهى كردند، اينجا آنجائى است كه واقعيتهاى جامعه با آرمانها هماهنگ ميشود. خب، اين يك امر اساسى و يك پايه‌ى اساسى براى حركت كشور است.

من مايلم يك مقدارى از واقعيتهاى جامعه را مطرح كنم. واقعيتهائى وجود دارد كه اگر ما اين واقعيتها را در محاسبات خودمان نياوريم، قطعاً در قضاوت اشتباه خواهيم كرد؛ در انتخاب راه هم اشتباه خواهيم كرد. اين واقعيتها را بايد ديد. البته هيچكدام از اين واقعيتهائى كه من عرض ميكنم، تحليل نيست؛ همه واقعيتهاى مشهودِ پيش روى ماست.

**لغزشگاه­های احتمالی در دیدن واقعیت­ها**

من قبلاً اين را عرض بكنم؛ ما وقتى كه ميخواهيم آرمان‌گرائىِ همراه با واقع‌بينى داشته باشيم - يعنى واقعيتها را ببينيم، بر اساس واقعيتها حركت خودمان را تنظيم كنيم - بايد توجه كنيم كه به لغزشهائى كه در اينجا ممكن است پيش بيايد، دچار نشويم. لغزشگاه‌هائى وجود دارد.

**لغزشگاه اول؛ واقعيتْ‌پندارى**

يك لغزشگاه، واقعيتْ‌پندارى است؛ چيزهائى را كه واقعيت ندارد، انسان واقعيت تصور كند. دشمنانى كه جبهه‌اى را در مقابل كشور ما، ملت ما، انقلاب ما تشكيل دادند، سعى ميكنند واقعيت‌سازى كنند، واقعيت‌نمائى كنند، يك چيزهائى را به عنوان واقعيتهاى مسلّم در نظر ما جلوه‌گر كنند؛ در حالى كه واقعيت­ها آنها نيست. بايد مواظب باشيم درگير و دچار واقعيت‌سازى‌هاى خلاف واقع نشويم.

**لغزشگاه دوم؛ کمتر از واقعیت دیدن توان خود**

فرض بفرمائيد اگر چنانچه ما توان خودمان را بيشتر از واقع بدانيم، يا كمتر از آنچه كه واقعيت است، بدانيم، دچار خطا خواهيم شد؛ توان دشمن را هم اگر بيشتر از آنچه كه هست، يا كمتر از آنچه كه هست، ببينيم، دچار اشتباه محاسبه خواهيم شد. اين از آنجاهائى است كه طراحان دشمن وارد ميدان ميشوند. شما ملاحظه كنيد؛ در تبليغات گسترده‌ى رسانه‌اىِ دشمنان ما سعى ميشود توان داخلى و ملى كشور تحقير شود و كوچك شمرده شود؛ متقابلاً توان دشمن بيش از آنچه كه هست، معرفى شود؛ اين يكى از لغزشگاه‌هاست.

**لغزشگاه سوم؛ بیشتر از واقعیت دیدن توان دشمن**

اگر ما از آن مقدارى كه دشمن بايد مورد ملاحظه قرار بگيرد، بيشتر او را محاسبه كرديم و بيشتر از او ترسيديم، قطعاً دچار خطاى در محاسبه خواهيم شد؛ راه را عوضى خواهيم رفت؛ اين يكى از لغزشگاه‌هاست.

**لغزشگاه چهارم؛ واقعیت­پنداری به خاطر دنیاطلبی نفس**

يكى از لغزشگاه‌ها در ديدن واقعيت، برمي­گردد به درون خود ما. گاهى دلبستگى‌هاى ما فلج كننده است. دلبستگى‌هاى ما موجب مي­شود كه ما يك چيزهائى را واقعيت بپنداريم كه واقعيت ندارد؛ در واقع خطائى است كه نفس راحت‌طلب ما يا دلبسته‌ى ما به مسائل مادى، بر ما تحميل ميكند؛ در حالى كه واقعيت ندارد.

**لغزشگاه پنجم؛ تصور بی­هزینه بودن آرمانخواهی**

يكى از اين لغزشگاه‌ها اين است كه انسان تصور كند دست يافتن به آرمانها بدون هزينه امكان‌پذير است. ما در دوران مبارزات هم مي­ديديم؛ بعضى‌ها بودند كه اهداف مبارزات را قبول داشتند، اما حاضر نبودند در راه اين مبارزات هزينه‌اى بدهند، قدمى بردارند. امروز چنين كسانى هم هستند؛ تصور ميكنند كه بايد به هدفها رسيد، بدون دادن هزينه؛ لذا آنجائى كه پاى هزينه دادن در ميان است، عقب ميكشند. اين عقب‌كشيدن‌ها در بسيارى از موارد موجب ميشود كه انسان در محاسبه اشتباه كند؛ خطى را كه بايد در مقابل دشمن دنبال كند، دنبال نكند.

**لغزشگاه ششم؛** يك لغزش ديگر اين است كه ما بخشى از واقعيتها را ببينيم، بخش ديگرى از واقعيتها را نبينيم؛ اين هم موجب خطاست؛ خطاى در محاسبه را به دنبال خواهد داشت. واقعيتها را بايد با هم ديد و دانست.

**هفده واقعیت­ بدیهی**

حالا من يك تعدادى از اين واقعيتها را ميگويم. مدعى نيستيم كه همه‌ى واقعيت­هاى كشور را در اينجا بيان خواهيم كرد؛ ليكن يك مدخلى است، مي­تواند چشم ما را به سوى واقعيت­هاى گوناگون باز كند. ما در چه وضعى هستيم؟ كجا قرار داريم؟ چه داريم؟ چه نداريم؟ ملاحظه‌ى اين واقعيتها، با قضاوتى كه بنده در اين مسئله پيش خودم دارم، بسيار اميدبخش است. وقتى ما واقعيت­ها را كنار هم ميگذاريم، اين­ها را ملاحظه مي­كنيم؛ احساس مي­كنيم كه راه ملت ايران به سوى آرمان­هاى بلند، يك راهِ گشوده است. اين راه، چالش دارد؛ اما راه باز است، بن‌بست وجود ندارد.

**نقشه دشمن؛ سناریوی اشتباه محاسباتی**

هدف جبهه‌ى مخالف نظام اسلامى و انقلاب اسلامى و دشمن ما اين است كه راه را بن‌بست نشان بدهد. خودشان هم ميگويند ما بايستى اين كارها را بكنيم، اين فشارها را وارد كنيم، اين محاصره را بكنيم، اين تحريم را بكنيم، تا مسئولان جمهورى اسلامى در محاسبات خودشان تجديدنظر كنند. من عرض مي­كنم؛ ملاحظه‌ى واقعيت­ها نه فقط موجب مي­شود ما در محاسبات گذشته‌مان تجديدنظر نكنيم، بلكه ما را به درستىِ راهى كه پيموديم و راهى كه انقلاب جلوى ما گذاشته، مطمئن‌تر مي­كند.

**واقعیت اول؛ وجود فشارها و تهديدها**

يكى از واقعيت­هاى موجود كشور - كه امروز بيش از سال­هاى گذشته هم اين واقعيت به رخ نظام اسلامى كشيده مي­شود - وجود فشارها و تهديدهاست. كشور با زورآزمائى چند قدرت و دولت مستكبر روبه‌رو است. همين طور كه مكرر عرض كرديم، طرف مقابل ما جامعه‌ى جهانى نيست، دولتها نيستند، ملتها نيستند؛ چند دولتند؛ منتها دستگاه رسانه‌اىِ قوى دارند. اين چيزى كه ما بايد اقرار كنيم كه آمريكائى‌ها و غربى‌ها انصافاً در اين قضيه قوى هستند، قدرت رسانه‌اى است، قدرت تبليغات به معناى پروپاگاندا است؛ همانى كه خودشان مي­گويند.

**واقعیت دوم؛ قدرت تبليغاتى و رسانه‌اى بالای دشمن**

آن چيزى كه ما اقرار مي­كنيم كه اين­ها در آن قوى هستند، قدرت تبليغاتى و قدرت رسانه‌اى و وانمود كردن مطالبى است كه ميخواهند وانمود شود. امروز اين­ها با توان تبليغاتى و رسانه‌اىِ بالاى خود به شدت دارند اين را تبليغ مي­كنند و مي­گويند، و اين واقعيت دارد كه چند دولتند؛

**واقعیت سوم؛ دروغ بودن دشمنی جامعه جهانی با ما**

منتها با همين نيروى رسانه‌اى، خودشان را به نام «جامعه‌ى جهانى» معرفى ميكنند، و دروغ ميگويند؛ جامعه‌ى جهانى نيست. اين يك واقعيت است. ما با زورآزمائى چند دولت و چند قدرت استكبارى مواجه‌ايم. اينها يك سياهى‌لشكر هم پشت سرشان دارند، كه آنها هم با ما مخالفند؛ اما آنها موجوديتى از خودشان ندارند، توانى ندارند. اگر دست حمايت قدرتى مثل آمريكا از روى سرشان برداشته شود، صفرند؛ در معادلات جهانى و بين‌المللى به حساب نمى‌آيند؛ ليكن حالا به عنوان سياهى‌لشكر، پشت سر آمريكا و پشت سر رژيم صهيونيستى و شبكه‌ى صهيونيسم دنيا دارند حركت ميكنند. اين يك واقعيتى است، اين در مقابل ماست، اين از اول انقلاب شكل گرفته؛ كم هم نشده و افزايش هم پيدا كرده. البته در بزرگنمائىِ اين واقعيت هم همه همدستند؛ اين جزو همان لغزشگاه‌هاست. سعى ميكنند اين واقعيت را هرچه بزرگتر و شديدتر و سخت‌تر و تلخ‌تر نشان بدهند. ما اين را قبول داريم كه در مقابل ما فشار هست، تحريم هست، توانائى‌هاى اقتصادى، توانائى‌هاى سياسى، امنيتى و امثال اينها و بخصوص رسانه‌اى پشت سر اين حركت وجود دارد؛ اين يك واقعيت است.

**واقعیت چهارم؛ دروغ بودن ادعای دشمنی غرب، فشارها، تحريمها و محاصره‌ها، به خاطر مسئله هسته­ای و حقوقق بشر**

واقعيت ديگرى كه در كنار اين واقعيت بايد ديده شود، اين است كه وانمود ميشود اين زورآزمائى به خاطر مثلاً مسئله‌ى هسته‌اى يا مسئله‌ى [حقوق بشر](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2248) است؛ و اين دروغ است. دروغ بودن اين ادعا، يكى از واقعيت­هاست. نه اينكه ما بگوئيم اين واقعيت است؛ امروز در دنيا كسى نيست كه باور كند آمريكا دنبال حقوق بشر است، دنبال حقوق ملت­هاست؛ يا رژيم صهيونيستىِ نسل‌كش و كودك‌كش دنبال اجراى [دموكراسى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1930) در كشورهاى دنياست. پرونده‌ى آمريكا، پرونده‌ى رژيم صهيونيستى، پرونده‌ى همين چند قدرت كه در مقابل جمهورى اسلامى قرار دارند، از لحاظ مسئله‌ى حقوق بشر و طرفدارى از حقوق ملتها و حقوق انسانها، پرونده‌ى بسيار سياهى است. شصت سال نسل‌كشى در فلسطين، نقض حقوق بشر نيست؟ دادن سلاح اتمى به دولت غاصب صهيونيستى، نقض صلح جهانى نيست؟ اينهائى كه اين كارها را كردند، ميتوانند مدعى دفاع از صلح جهانى باشند؟ دادن سلاح شيميائى به كسى مثل صدام، نقض حقوق بشر نيست؟ كارهائى از قبيل آنچه كه در ابوغريب و گوانتانامو و افغانستان و عراق و نقاط ديگرى از دنيا به وسيله‌ى آمريكائى‌ها، به وسيله‌ى غربى‌ها، به وسيله‌ى انگليس اتفاق افتاده است، جائى براى ادعاى دفاع از حقوق بشر باقى ميگذارد؟ بنابراين اينكه اينها ميگويند مقابله‌ى ما با جمهورى اسلامى براى حقوق بشر است، دروغ است؛ اين هم كه ميگويند مقابله‌ى با جمهورى اسلامى براى سلاح هسته‌اى است، دروغ است؛ اين را ما اول با حدس بيان مي­كرديم، بعد در مذاكرات و مبادلات بين‌المللى براى ما روشن شد كه آن­ها مي­دانند جمهورى اسلامى دنبال سلاح هسته‌اى نيست؛ اين را باور كردند و قبول دارند، و واقعيت هم همين است؛ در عين حال مسئله‌ى سلاح هسته‌اى را مطرح ميكنند. پس ادعاى اينكه اين فشارها، اين تحريمها، اين محاصره‌ها، اين دشمنى‌ها و خصومت­ها به خاطر مسئله‌ى سلاح هسته‌اى و مسئله‌ى توان هسته‌اى است، يك دروغ است؛ اين دروغ بودن هم يك واقعيت است.

**واقعیت پنجم؛ علت اصلی دشمنی­ها: ضربه زدن به جمهورى اسلامى و عبرت قرار دادن آن براى ديگران**

واقعيت اين است كه مخالفت آنها به خاطر اصل انقلاب و اصل تشكيل نظام اسلامى است. اينها در اين منطقه با خيال راحت داشتند حكومت ميكردند. كشورى مثل ايران با اين منابع سرشار، با اين امكانات فراوان، توى مشت آنها بوده است؛ هر كار ميخواستند، ميكردند؛ هر تصميمى مي­خواستند، ميگرفتند؛ از امكانات اين كشور در پيشبرد مقاصد خودشان همه‌ى استفاده‌ها را ميكردند، ولى الان از آن محروم شده‌اند. فقط اين هم نيست؛ اين حركت موجب شده است كه اين داعيه و اين انگيزه در دنياى اسلام [بيدار](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1648) شود، كه امروز نشانه‌هايش را در شمال آفريقا و در خاورميانه و در همه‌ى كشورها و ملتها داريم مشاهده ميكنيم؛ اينها از اين ناراحتند. نقطه‌ى كانونى، جمهورى اسلامى است؛ ميخواهند به جمهورى اسلامى ضربه وارد كنند و اين را عبرتى قرار بدهند براى ديگران؛ انگيزه‌ى واقعى اين است. اين هم يك واقعيت است.

**واقعیت ششم؛ جدید نبودن چالش­های موجود؛ تجربه داشتن ما**

يك واقعيت ديگر اين است كه اين چالش­هائى كه امروز براى جمهورى اسلامى وجود دارد، جديد نيست. اين هم تحليل نيست، اين واقعيت است؛ اين را همه مى‌بينند، مشاهده ميكنند. يك روزى بود كه كشتى‌هاى نفتى و غيرنفتى ما را در خليج فارس مي­زدند؛ يك روزى بود كه پايانه‌ى نفتى خارك را بمباران ميكردند؛ يك روزى بود كه همه‌ى مراكز صنعتىِ موجود ما زير چتر بمباران دشمن بود؛ اينها چيزهائى است كه به چشم خودمان ديديم؛ ما اين روزها را گذرانديم؛ اينها براى ما جديد نيست. امروز جرأت نميكنند به جمهورى اسلامى نزديك شوند - كه حالا عرض خواهم كرد - اين هم بخش ديگرى از واقعيتهاست. يك روزى اين جرأت را داشتند، مى‌آمدند، ضربه ميزدند، حمله ميكردند. جنگ صدام با ما كه جنگ يك دولت با ما نبود؛ جنگ بين‌المللى عليه ما بود. بنابراين، اين چالشهائى كه وجود دارد - تهديد ميكنند، ميگويند، ميشمرند، بزرگنمائى ميكنند - براى جمهورى اسلامى جديد نيست. اين هم يك واقعيت.

**واقعیت هفتم؛ عبور پیروزمندانه جمهوری اسلامی از همه گردنه­های سخت تا کنون**

يك واقعيت ديگر اين است كه نظام جمهورى اسلامى از همه‌ى اين دشوارى‌ها و گردنه‌هاى سخت عبور كرده. مگر عبور نكرديم؟ مگر متوقف مانديم؟ مگر توانستند به جمهورى اسلامى ضربه وارد كنند؟ مگر توانستند به آرمانها و اصول جمهورى اسلامى خدشه‌اى وارد كنند؟ نتوانستند. اين هم يك واقعيت است. اين واقعيتها بايد دائماً جلوى چشم ما باشد.

**واقعیت نهم؛ پیش رفتن دائمی ما بر خلاف همه دشمنی­ها**

يك واقعيت ديگر اين است كه ما در همين شرائط تهديد، پيشرفت كرديم. در طول اين سالهاى متمادى، ما در همه‌ى حوزه‌ها جلو رفتيم؛ در حوزه‌ى دانشهاى پيچيده پيشرفت كرديم؛ در حوزه‌ى فناورى‌هاى مورد نياز كشور پيشرفت كرديم؛ در زمينه‌ى دارو، حمل و نقل، مسكن، آب، راه، كشور پيشرفتهاى برجسته‌اى كرده؛ كه امروز بخشى از آمارها را آقاى رئيس جمهور گفتند و شما شنيديد. با وجود همه‌ى اين فشارها، كشور در طول اين سالها مرتب جلو رفته است. در حوزه‌ى بعضى از دانشهاى مهم و انحصارى و منحصربه‌فرد - در ليزر، در نانو، در سلولهاى بنيادى، در صنعت هسته‌اى - كشور رتبه پيدا كرده. خب، اينها الگوسازى در دنياى اسلام است؛ اين يك واقعيتى است. ما متوقف نمانديم، ما دائم پيش رفتيم. نظام جمهورى اسلامى با همه‌ى اين تهديدهائى كه وجود داشته است - از قبيل تحريم و غيرتحريم و تهديد و كارهاى گوناگونِ پيچيده‌ى امنيتى و سياسى و غيره - اين پيشرفتها را داشته است. اين هم يك واقعيت است؛ اين هم تحليل نيست؛ اين هم محسوساتى است كه جلوى چشم همه‌ى ماست.

**واقعیت دهم؛ قوی­تر شدن ما در مقایسه با سال­های قبل**

يك واقعيت ديگر اين است كه كشور در مواجهه‌ى با چالشها و تهديدها، در مقايسه‌ى با سال­هاى اول انقلاب، به مراتب قوى‌تر شده. امروز ما در مواجهه‌ى با تهديدها، از روز اول خيلى قوى‌تريم؛ هم [اعتماد به نفسمان](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=998) بيشتر است، هم توكلمان به خدا الحمدللّه كم نيست، هم توانائى‌هاى عينى و موجود و محسوس و ملموس ما بيشتر از گذشته است. قدرتها با همه‌ى توانشان دارند تلاش ميكنند، اعتراف ميكنند كه نميتوانند پيش بروند؛ نتوانستند كار خودشان را پيش ببرند.

**واقعیت یازدهم؛ ضعیف­تر شدن دشمن در مقایسه با سال­های قبل**

يك واقعيت ديگر اين است كه جبهه‌ى مقابل ما در طول اين سالها ضعيف‌تر شده است. يعنى اگر ما دو نماد اصلى اين جبهه را آمريكا و رژيم صهيونيستى بدانيم، و غرب را دنبال سر اينها بدانيم، واضح است كه اينها ضعيف‌تر شده‌اند. امروز رژيم صهيونيستى بمراتب ضعيف‌تر از بيست سال قبل و سى سال قبل است. بعد از حوادث شمال آفريقا و مسئله‌ى مصر، رژيم صهيونيستى بشدت تضعيف شده است؛ هم از درون دچار مشكل است، هم از بيرون مشكلات بى‌نهايتى دارد. آمريكاى امروز هم آمريكاى زمان ريگان نيست؛ اين­ها بهمراتب عقب رفتند. در عراق وضعشان آنجورى شد؛ در افغانستان روزبه‌روز وضعشان بدتر شده است؛ در سياست­هاى خاورميانه‌اى‌شان شكست خوردند؛ در جنگ سى‌وسه روزه، عاملشان كه رژيم صهيونيستى است، شكست خورد؛ در جنگ بيست و دو روزه، عاملشان كه رژيم صهيونيستى است، نتوانست در مقابل يك ميليون و اندى انسان بى‌دفاع كارى از پيش ببرد. اينها واقعيتهاى خيلى مهمى است. بنابراين اينها ضعيف شده‌اند. اينها نسبت به بيست سال قبل و سى سال قبل بهمراتب ضعيف‌ترند. اين هم يك واقعيت ديگر است.

**واقعیت دوازدهم؛ درگیر بودن دشمنان ما با بحران**

يك واقعيت ديگر اين است كه رژيم­هاى مخالف نظام جمهورى اسلامى درگير [بحرانند](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2236)؛ همين چند دولت غربى، خودشان و اطرافيانشان دچار بحرانند. با اين بحران اقتصادى‌اى كه در اروپا وجود دارد، اتحاد اروپا جداً در تهديد است، يورو جداً مورد تهديد است. آمريكا هم به نحو ديگرى؛ كسرى بودجه‌ى فراوان، قرض فراوان، فشار مردم، حركت ضد وال‌استريت، حركت - به قول خودشان - نود و نُه درصدى. اينها حوادث مهمى است. البته وضع اروپا از آمريكا بدتر است؛ چند دولتشان سقوط كردند. الان در چندين كشور اروپائى بى‌ثباتى وجود دارد.

مشكلات آن­ها با مشكلات ما فرق هم ميكند. مشكلات اقتصادى و بحران اقتصادى اروپا با مشكلات اقتصادى‌اى كه ما احياناً دچارش ميشويم، متفاوت است. مشكلات ما مثل مشكلات يك گروه كوهنورد است كه دارد در راهى حركت ميكند. راه سختى است و البته مشكلاتى دارد؛ گاهى آب مي­خواهند، گاهى غذا ميخواهند، گاهى مشكلات دارند، گاهى به يك مانعى برخورد ميكنند؛ اما دارند طرف بالا ميروند. مشكلات ما از اين قبيل است. مشكلات اروپائى‌ها مثل اتوبوسى است كه زير بهمن گير كرده. سالها خود آنها بدون اينكه بدانند، مقدمات اين مشكل را فراهم كردند. اين فاصله‌هاى طبقاتى، اين غلبه‌ى سازوكار ربا در مسائل مادى، اين تقويت زورمندان مادى، اين نفوذپذيرى از صهيونيستهاى پول‌پرست و مال‌پرست، آنها را دچار مشكلاتى كرده؛ اين بهمنى است كه روى سرشان افتاده. بنابراين مشكلات آنها با مشكلات ما خيلى متفاوت است. اين هم يك واقعيت است.

**واقعیت سیزدهم؛ بیداری اسلامی و در خطر قرار گرفتن دشمنان ما**

واقعيت ديگر، همين تحولات شمال آفريقا و تحولات مجموعه‌ى اين منطقه است. در بعضى جاها اين تحولات به تغيير نظامها و رژيمها منتهى شده؛ بعضى هم نشده، اما در خطرند. كه من از اينها عبور ميكنم.

**واقعیت چهاردهم؛ توان افزايش‌يافته در درون جمهورى اسلامى از لحاظ منابع و معادن اساسى و جمعيت**

يك واقعيت ديگر، توان افزايش‌يافته در درون جمهورى اسلامى است. ما كشور قدرتمندى هستيم. ما كشور دارا و توانائى هستيم. از لحاظ منابع، ما در رتبه‌هاى بالاى جهانى هستيم. در بعضى از منابع، رتبه‌ى اوّليم. در تركيب نفت و گاز، ما در دنيا اوّليم. از همه‌ى كشورهائى كه داراى نفت هستند يا داراى گاز هستند، مجموع نفت و گاز ما بيشتر است. از لحاظ منابع و معادن اساسى، كشور غناى بالا و فراوانى دارد. از لحاظ نيروى انسانى، ما هفتاد و پنج ميليون نفر جمعيت داريم؛ اين جمعيت عامل خيلى مهمى است.

**واقعیت پانزدهم؛ اثبات تجربه گستاخ­تر شدن دشمن با عقب نشینی ما**

یك واقعیت دیگر این است، در هر برهه‌اى كه ما در مقابل جبهه‌ى دشمن انعطاف نشان داديم و با توجيه‌هائى عقب‌نشينى كرديم - مثلاً يك وقت گفتيم بگذاريد بهانه را از دست دشمن بگيريم، يك وقت گفتيم بگذاريد سوءظن دشمن را از خودمان زائل كنيم - دشمن مواضع گستاخانه‌ترى عليه ما گرفته. در آن روزى كه ادبيات مسئولين ما آلوده شد به حرفها و تعبيرات تملق‌آميز نسبت به غرب و فرهنگ غربى، در آن روز اينها ما را «محور شرارت» معرفى كردند! چه كسى؟ آن كسى كه خودش مجسمه‌ى شرارت بود. رئيس جمهور قبلى آمريكا - مجسمه‌ى شرارت - ايران اسلامى را «محور شرارت» معرفى كرد! اين كِى بود؟ آن وقتى كه ما در ادبيات خودمان، در اظهارات خودمان، حرفهاى تملق‌آميز نسبت به غرب و نسبت به آمريكا و اينها را تكرار ميكرديم. اينها اينجورى‌اند. در همين قضيه‌ى هسته‌اى، آن وقتى كه ما با اينها همراهى كرديم و عقب‌نشينى كرديم - البته براى ما تجربه‌اى بود، اما اين واقعيت است - اينها جلو آمدند؛ اينقدر جلو آمدند كه من در همين حسينيه گفتم اگر بنا باشد كه اين روال از سوى آنها ادامه پيدا كند، من خودم وارد قضيه خواهم شد؛ و وارد قضيه شدم؛ ناچار شديم؛ اينها كار ما نيست.

عقب‌نشينى‌ها آنها را گستاخ‌تر كرد، طلبگارتر كرد. يك روزى بود كه مسئولين ما قانع بودند كه اجازه بدهند ما ۲۵ سانتريفيوژ در كشور داشته باشيم؛ آنها گفتند نميشود! اينها قانع شدند كه ۵ تا سانتريفيوژ داشته باشيم؛ باز هم گفتند نميشود! مسئولين ما قانع شدند كه ۳ تا سانتريفيوژ داشته باشيم؛ باز هم گفتند نميشود! امروز گزارش را شنيديد، یازده هزار سانتريفيوژ داريم! اگر ما آن عقب‌نشينى‌ها را، آن انعطافها را ادامه ميداديم، امروز از پيشرفت هسته‌اى كه هيچ خبرى نبود، به اين نشاط علمى هم كه در چند سال اخير در كشور وجود پيدا كرده - اين [حركت علمى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1693)، اين جوانها، اين ابتكارات، اختراعات، پيشرفتهاى گوناگون در بخشهاى مختلف - قطعاً لطمه ميخورد؛ چون اولاً نسبت به هر يك از آنها ممكن بود يك بهانه‌اى بياورند؛ ثانياً حركت هسته‌اى و صنعت هسته‌اى، نماد پيشرفت يك كشور است. اين هم يك واقعيت ديگر است.

**واقعیت شانزدهم؛ کند شدن و حربه­های دشمن در اثر مقاومت و تکرار نشدن آن**

يك واقعيت ديگر هم اين است كه اگر كشور در مقابل فشارهاى دشمن - از جمله در مقابل همين تحريمها و از اين چيزها - مقاومت مدبرانه بكند، نه فقط اين حربه كُند خواهد شد، بلكه در آينده هم امكان تكرار چنين چيزهائى ديگر وجود نخواهد داشت؛ چون اين يك گذرگاه است، اين يك برهه است؛ كشور از اين برهه عبور خواهد كرد. اين چيزهائى كه الان آنها تهديد ميكنند، تحريم ميكنند، جز آمريكا و جز رژيم صهيونيستى، هيچ كس ذى‌نفع از اين تحريم­ها نيست. ديگران را با زور و با فشار و با رودربايستى و با اين چيزها وارد ميدان كردند. خب، پيداست كه زور و فشار و رودربايستى نميتواند خيلى ادامه پيدا كند - يك مدتى است - شاهدش هم اين است كه مجبور شدند بيست تا كشور را از همين تحريمهاى نفتى و امثال اينها استثناء كنند! ديگرانى هم كه استثناء نشدند، خودشان مايل نيستند، و بيش از آنچه كه ما بخواهيم يا همان اندازه كه ما ميخواهيم، آنها دنبال راه‌حل ميگردند. بنابراين بايستى مقاومت كرد.

خب، اينها واقعيتهاى ملموس است. اينهائى كه عرض كردم، هيچكدامش تحليل نبود، ذهنى نبود؛ چيزهائى است كه مشاهده ميكنيم.

**البته؛ واقعیت هفدهم؛ ضعف در کسب حالت متناسب اسلامی در میدان کار**

البته در كنار اين واقعيت­ها، اين واقعيت هم هست كه ما هنوز آن حالت لازمِ متناسب اسلامى را در ميدان كار و اينها در خودمان به وجود نياورديم؛ يك قدرى دچار تنبلى هستيم؛ اين جزو ميراث­هاى دوران استبداد و تسلط ديكتاتورى بر كشور است. وقتى در يك كشورى ديكتاتورى بود، مردم تنبل ميشوند؛ استعدادها به ميدان تجربه و عمل وارد نميشوند. اين ميراث دوران استبداد است كه در ما وجود دارد. بايد تنبلى را كنار بگذاريم. آن خطرپذيرى لازم در همه‌ى بخشهاى جامعه نيست. با توكل به خداى متعال، و با تدبير و درايت لازم، بايد خطرپذيرى وجود داشته باشد؛ اين را بايد همه داشته باشيم.

**معنی شرایط بدر و خیبری با توجه به واقعیت­های فوق**

خب، اينكه ما عرض كرديم وضعيت بدر و خيبر، يعنى همين. وضعيت بدر و خيبر يعنى تهديد هست، چالش هست، اما بن‌بست نيست. در بدر امكانات كم بود، اما غلبه حاصل شد. امكانات طرف مقابل، چندين برابر؛ شايد در بعضى بخشها، غيرقابل مقايسه‌ى با امكانات جبهه‌ى اسلام بود. در خيبر سختى وجود داشت؛ رفتند مدتها آنجا ماندند؛ مقاومت دشمن شديد بود؛ اما غلبه پيدا كردند. چالش هست؛ اما در قبال چالش، توان و قدرت و استعداد و ظرفيت هم وجود دارد. اين، معناى وضعيت بدر و خيبر است. اگر اين ظرفيت را به ميدان آورديم، اگر نقاط ضعف را كم كرديم، پيشرفت خواهيم كرد.  
آنچه كه من در دنباله‌ى عرايضم عرض ميكنم - كه ديگر وقت دارد تمام ميشود و مجال نيست - اين است كه برادران و خواهران عزيز! مسئولان محترم! ما بايد مسائل كشور را با اين ديد نگاه كنيم؛ آرمانها جلوى چشم ما باشد؛ واقعيتهاى تشويق‌كننده جلوى چشم ما باشد. در مورد واقعيتهاى منفى - كه در واقع در بعضى موارد واقعيت‌سازى است، واقعيت‌نمائى است - دچار اشتباه نشويم. البته توان دشمن را دست‌كم نگيريم، سهل‌انگارى و ساده‌انگارى نكنيم. مسئله، مسئله‌ى اساسى و مهمى است. شما مثل يك رياضيدانى كه ميخواهد يك مسئله‌ى مهم رياضى را حل كند، بر سر اين مسئله تلاشتان را به كار ببريد و مسئله را حل كنيد. شما رياضيدان بااستعدادى هستيد؛ اين هم يك مسئله‌ى رياضى است. اين جورى بايد با مسائل گوناگون برخورد كنيد. خوشبختانه انسان مشاهده ميكند كه همين روحيه هم در دستگاه‌هاى گوناگون وجود دارد. به مسئله‌ى اقتصاد بايد با اين ديد نگاه كرد.

**اقتصاد مقاومتی؛ راهکار برون رفت**

[ما چند سال پيش «اقتصاد مقاومتى» را مطرح كرديم.](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10077#1) همه‌ى كسانى كه ناظر مسائل گوناگون بودند، ميتوانستند حدس بزنند كه هدف دشمن، فشار اقتصادى بر كشور است. معلوم بود و طراحى‌ها نشان ميداد كه اينها ميخواهند بر روى اقتصاد كشور متمركز شوند. اقتصاد كشور ما براى آنها نقطه‌ى مهمى است. هدف دشمن اين بود كه بر روى اقتصاد متمركز شود، به رشد ملى لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملى دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشكل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامى جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادى دشمن اين است، و اين محسوس بود؛ اين را انسان ميتوانست مشاهده كند.  
[من سال ۸۶](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3378#2) در صحن مطهر على‌بن‌موسى‌الرضا (عليه الصّلاة و السّلام) در سخنرانىِ اول سال گفتم كه اينها دارند مسئله‌ى اقتصاد را پيگيرى ميكنند؛ بعد هم آدم ميتواند فرض كند كه اين شعارهاى سال حلقه‌هائى بود براى ايجاد يك منظومه‌ى كامل در زمينه‌ى مسائل اقتصاد؛ يعنى [اصلاح الگوى مصرف](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=976)، مسئله‌ى جلوگيرى از اسراف، مسئله‌ى [همت مضاعف و كار مضاعف](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1076)، مسئله‌ى [جهاد اقتصادى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1690)، و امسال توليد ملى و حمايت از كار و سرمايه‌ى ايرانى. ما اينها را به عنوان شعارهاى زودگذر مطرح نكرديم؛ اينها چيزهائى است كه ميتواند حركت عمومى كشور را در زمينه‌ى اقتصاد ساماندهى كند؛ ميتواند ما را پيش ببرد. ما بايد دنبال اين راه باشيم.» مقام معظم رهبری دام ظله، بیانات در دیدار كارگزاران نظام، 3/5/1391، چهارم رمضان المبارك ۱۴۳۳

[۱)مریم:۳۹](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=19&npt=7&aya=39#23495)  
[۲) مریم: ۳۹](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=19&npt=7&aya=39#23495)